

تحقیقات کیفی در مالی

محمد آزاد^۱

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۰۶

این مقاله به دنبال ارائه یک دیدگاه کلی نسبت به تحقیقات کیفی در رشته مالی است تا بتواند محققان این رشته را جهت کاربرد یک رویکرد چند وجهی نسبت به مباحث جاری در تحقیقات مالی تشویق نماید. امروزه محققان علوم اجتماعی دریافته‌اند که سوال (های) تحقیق می‌بایست تعیین کنند که بهترین پارادایم برای یک تحقیق کدام است. تصور نمایید اگر منابع داده‌های تجربی شامل اظهارات افراد مصاحبه شونده باشد چه برکاتی برای رشته مالی به ارمغان خواهد آورد. هدف از نگارش این مقاله تأکید بر انجام تحقیقات جاری در زمینه مالی بر مبنای کاربرد روش‌های کیفی و ایجاد نگاهی تازه به این رویکرد بعنوان مکملی ذی قیمت یا پیش درآمدی برای دیگر روش‌های موجود می‌باشد. محققان حوزه علوم اجتماعی همواره باید استفاده از روش‌های برخوردار از بالاترین سطح استاندارد را توسعه داده و یا به آنها متعهد باشند. از انتخاب ساده یک طرح تحقیق شامل تکنیک‌های تحقیقاتی مختلف پرهیز نموده، و ترجیحاً اجازه داده شود سوالات تحقیق در جهتی مطرح شوند که برای تحقیق مورد نظر بهترین باشند.

واژه‌های کلیدی: مالی، تحقیق کیفی، قوم‌نگاری کاربردی، تحلیل محتوایی، ساختارگرایی اجتماعی،

تئوری بنیادی، تئوری سیستم‌ها، تغییر انتقادی.

طبقه‌بندی موضوعی: G40

مقدمه

به اعتقاد موستا کاس (۱۹۹۴)، محقق کیفی به دنبال جمع آوری اطلاعات از افرادی است که یک پدیده را تجربه نموده اند، تا براساس این اطلاعات بتواند به توصیف مرکبی از ماهیت پدیده مورد نظر از دیدگاه آن افراد دست یابد. نکته مهم در نظریه سازی این است که نظریه، از خارج به یک تحقیق تحمیل نمی شود، بلکه مبتنی بر داده های اخذ شده از مشارکت کنندگانی است که فرآیندی را تجربه کرده اند (اشتراس و کوربین، ۱۹۹۸). مصاحبه با بازارسازها، مدیران صندوق های سرمایه گذاری، مدیران مالی و یا سایر بازیگران اصلی بازار سرمایه می تواند به عنوان یک فرصت تحقیقاتی کم نظیر در اختیار محققان مالی در نظر گرفته شود. در عین حال، دانشمندی که در جستجوی تاثیر دارو یا ترکیبات مختلف بر روی گروه دریافت کننده درمان در مقایسه با گروه کنترل، در حال انجام تحقیقات آزمایشگاهی می باشد، تمایل دارد تحقیقات خود را به گونه ای مستقیم تر انجام دهد؛ اما، چه ابزاری می تواند یک فیزیکدان را قادر سازد تا از اتمها، مولکولها، و یا هر ذره ای که در حال انجام بررسی بر روی آنها است، سوال پرسد. محقق رشته مالی می تواند از مدیران مالی، اعضای هیأت مدیره، بازارسازها، مدیران صندوق ها، و سایر فعالان بازار سوال نماید؛ "مشغول انجام چه کاری هستید". گسترش قلمرو داده های تجربی به مجموعه نظرات افراد، علاوه بر سایر مزایا، می تواند منجر به تبیین دلایل پیچیده و پشت پرده مصاحبه با این افراد نیز گردد. تناسب بین نظریه و روش ها، دیدگاه شرکت کنندگان مختلف، تاثیر متقابل پژوهشگر و پژوهش و تنوع رویکردها و روش ها از مهمترین ویژگی های تحقیقات کیفی می باشد (فلیک، ۱۵).

مطالعه لینتتر در سال ۱۹۵۶ درباره سیاست تقسیم سود، آغازی برای تحقیقات کیفی در مالی به شمار می رود. نتایج این تحقیق در رابطه با سیاست تقسیم سود، بعد از گذشت ۶۰ سال از زمان انتشار، همچنان معتبر است. او با اتخاذ رویکرد مبتنی بر استدلال استقرایی، به دنبال یافتن نظرات "مدیران عامل، معاونان مالی، خزانه دارها، کنترل کنندگان و هیأت مدیره" شرکت های صنایع منتخب، درباره سیاست های تقسیم سود بود. لینتتر با استفاده از این مصاحبه ها، مدل نظری رفتار تقسیم سود شرکت ها را در سال ۱۹۵۶ معرفی کرد.

استفاده از یک رویکرد قیاسی از طریق مدلسازی آماری مجموعه داده‌های عددی با دامنه‌ای بزرگ را به عنوان یک فصل مشترک بین تحقیقات اخیر مالی، ایجاد نموده است (گیل، ۲۰۱۳). این رویکرد اغلب بر پایه فرضیه‌ای بنا می‌شود که به منظور ایجاد شرایط اندازه گیری و پیش بینی گسترده توسط محقق، طراحی شده است. تعمیم و باز تولید (دستیابی مجدد به) نتایج مشابه موجب افزایش کیفیت کار می‌شود. تحقیقات کیفی بر پایه ساختار مفهومی بسیار متفاوتی بنا می‌شوند، به طوری که به محقق اجازه می‌دهد مباحث علوم اجتماعی را به مراتب بهتر و عمیق‌تر درک کرده و تشریح نماید. آنچه که افراد می‌گویند، می‌نویسند و آنگونه که رفتار می‌کنند، همگی می‌تواند برای یک محقق بسیار ارزشمند باشد. نکته‌ای که باید در نظر گرفت آن است که احتمال وجود چنین داده‌هایی بیشتر از سایر انواع آن است، اما سوال اینجاست که بهترین رویکرد کدام است؟ در پاسخ باید گفت، هیچ روشی به تنهایی کامل نیست و به عنوان راه حل، بهترین روش باید متناسب با سوالی که در دست محقق است، بکار گرفته شود. در مورد خاص لینتر، رویکرد کیفی بهترین گزینه بود و همین رویکرد نتایجی را به بار آورد که هنوز پس از گذشت بیش از ۶۰ سال معتبر می‌باشند و همچنان مدرن و به روز تلقی می‌گردند.

چیستی علم و نظریه پردازی

بسیاری بر این باورند که تفاوت علم و غیر علم را باید در روش‌های خاصی جستجو کرد که دانشمندان برای تحقیق درباره جهان به کار می‌گیرند، زیرا در بسیاری از علوم برای تحقیق از روش‌های مشخصی استفاده می‌شود که در رشته‌های غیر علمی خبری از آن روش‌ها نیست. نمونه بارز تفاوت در روش، استفاده از آزمایش است. در تاریخ تحول علم جدید استفاده از آزمایش نقطه عطفی به حساب می‌آید. البته هستند علوم که آزمایش در آنها کاربرد ندارد. یکی از سوالاتی که در فلسفه علم باید برای آن جوابی پیدا کرد این است که دانشمندان چگونه توانسته‌اند به کمک روش‌هایی از قبیل آزمایش، مشاهده و طرح نظریه از بسیاری از رازهای طبیعت پرده بردارند.

دکتر محمد تقی ایمان با استناد به نیومن (۱۹۹۷)، علم را یک نهاد اجتماعی معرفی می‌کند که نظام تولید معرفت علمی در درون آن شکل می‌گیرد و این معرفت با اتکا به مبانی فلسفی و پارادایمی درصدد ورود به واقعیت تجربی و شناخت آن است. از طرفی، هر معرفت علمی در

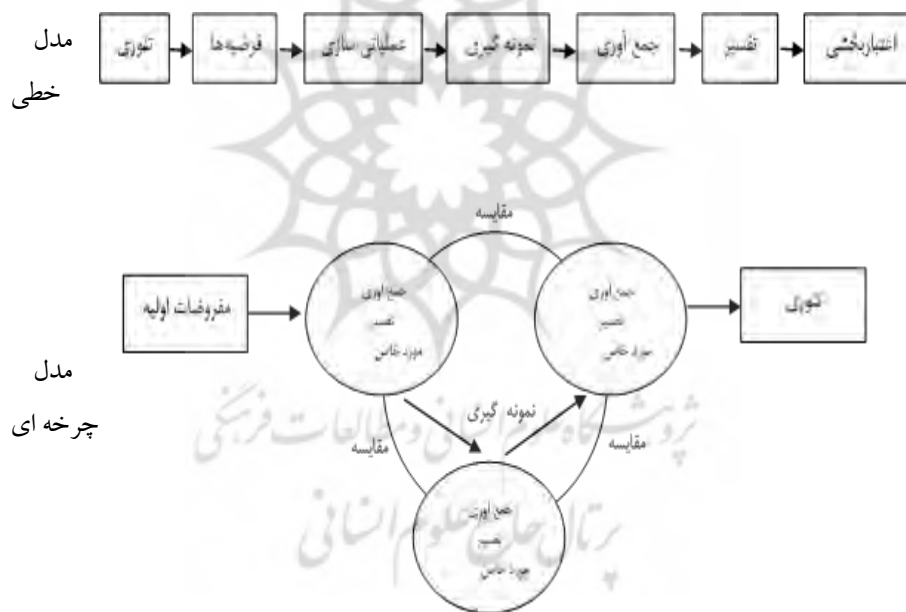
چارچوب هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی خاص خود شکل می‌گیرد و محصول روش‌شناسی ویژه‌ای است. این روش‌شناسی مسوولیت‌روایی و پایایی معرفت به دست آمده را بر عهده دارد. به سخنی دیگر، روش‌شناسی مدلی است که در آن اصول نظری و مفهومی تحقیق در یک بستر پارادایمی استوار می‌شود. منظور از پارادایم، مجموعه پیش‌فرض‌های فلسفی در علم است که براساس آنها هویت نظری و عملیاتی علم تعیین می‌شود. پارادایم یک جهت‌گیری و راهبرد پایه و بنیادین نسبت به نظریه و تحقیق است. هر پارادایم یک نظام فکری ویژه ایجاد می‌کند که در آن نظام پیش‌فرض‌های اساسی، پرسش‌های بنیادین که باید به آنها پاسخ داده شود و روش‌هایی که برای این منظور باید به کار گرفته شود، مشخص شده‌اند.

در چند دهه گذشته، نحوه شکل‌گیری نظریه‌های علمی یکی از مهمترین موضوعات مورد بحث در فلسفه علم بوده است. در این رابطه دو نظریه اصلی و رایج وجود دارد که منتسب به توماس کوهن و کارل پاپر می‌باشند. نظریه اول به نظریه ذهن‌گرایانه (Subjectivist) و نظریه دوم به نظریه عین‌گرایانه (Objectivist) شهرت یافته است. توماس کوهن معتقد است علوم بر اساس پارادایم با سرمشق‌های معین به جلو می‌رود. این سرمشق‌های معین در حالت عادی پیش‌فرض مقبول دانشمندان هستند. در نتیجه آنها برای حل مسائل مورد تحقیق خود هیچگاه به این اصول شک نمی‌کنند. از نظر وی هرگاه تعداد زیادی از مسائل تحقیق، پارادایم موجود را زیر سوال ببرند، در این صورت احتمالاً بحرانی رخ داده و اندک‌اندک پارادایم جدیدی شکل می‌گیرد که از طریق یک انقلاب علمی، جایگزین پارادایم قدیمی خواهد شد. بر طبق این نظریه، ذهن دانشمندان است که انتخاب مسائل و راه‌حل‌های مورد جستجوی آنها را شکل می‌دهد و بجز در زمان‌های بحرانی، واقعیت‌های عینی نتایج نظری فلسفی به بار نمی‌آورند. به همین علت این نظریه را ذهن‌گرایانه می‌دانند، زیرا در بیش از نود درصد اوقات، علم بطور معمول جلو می‌رود، و طبق این نظریه، ذهن بر عین تقدم دارد. لازم به ذکر است که طرح اهمیت تاریخ در این نظریه، آنرا به ویژه برای مورخین علم (از جمله پایه‌گذاران آن) جالب توجه نموده است.

در نظریه دوم، کارل پاپر معتقد است دانشمندان در هر زمانی، در رابطه با موضوعاتی که مورد تبیین علمی قرار می‌دهند، نظریات مختلفی را ارائه می‌کنند. به نظر او، نظریه‌های علمی این خاصیت را دارند که آشکارا معلوم می‌کنند که چگونه قابل نفی هستند. به بیان دیگر، جمله آسمان هم می‌بارد و هم نمی‌بارد، نظریه علمی نیست، زیرا قابل نفی نیست؛ اما جمله خورشید به

دور زمین می‌چرخد نظریه علمی است، زیرا قابل نفی است. همانطور که کوپرنیک با نفی آن مبنای اثبات نظریه خود یعنی گردش زمین به دور خورشید را بنا نهاد. طبق این نظریه، نظریه‌های علمی قابل رد کردن هستند. هر دانشمند با ارائه یک نظریه علمی نشان می‌دهد که نظریه او در صورت اثبات چه چیزی، رد می‌شود؛ همچنین خود او و دیگر دانشمندان سعی در رد کردن آن دارند. به هر مقدار که یک نظریه از کوره این آزمون سخت سرفرازتر بیرون آید، به همان نسبت صحیح‌تر از نظریه رقیب است، بنابراین در امور علمی آن نظریه ترجیح داده خواهد شد، اما فرآیند تدوین، تأیید و رد نظریه‌های علمی هیچگاه پایان نمی‌یابد. نظریه پاپر عین گرایانه خوانده می‌شود، زیرا عینیت موجود در هر زمان، طرح لازم برای مدل‌های نظری مختلف دانشمندان و نه پیش فرض‌های مربوط به پارادایم‌های گذشته را مشخص می‌کند. برخی فلاسفه علم نظیر آیمر لاکاتوس نوعی نظریه میان این دو را پذیرفته‌اند و عده‌ای دیگر نیز نظیر پاول فیرآبند اساساً به وجود هرگونه سناریو در مورد شکل‌گیری نظریه‌های علمی شک دارند.

نگاره (1): مدل‌های خطی و چرخه‌ای فرآیند نظریه پردازی



نظریه در رشته مالی

در رشته مالی نظریه براساس یک پارادایم اساسی، یعنی پارادایم انتظارات عقلایی و منطقی، همراه با مدل سازی ریاضیاتی پیچیده و تکنیک‌های آماری دشوار تعریف می‌شود. این رویکرد روش‌شناسی، تفکیک بنیادی را ارائه می‌کند که معرف شاخه سنتی مالی می‌باشد. در یک دامنه محدودتر، مالیه رفتاری به عنوان راه حل یا جایگزینی برای کمک به شاخه‌ای از مالی به کار می‌رود که با پارادایم سنتی سازگار نیست. به طور کلی می‌توان گفت پیشرفت نظریه‌های مدیریت مالی، به دو دلیل زیر رخ داده است:

- استفاده از تحلیل‌های جدید رواج یافته در علم اقتصاد برای حل مسائل مالی و ارائه‌ی فرضیه‌های جدید
- ظهور رایانه و در نتیجه آن؛
- امکان جمع‌آوری داده‌ها در پایگاه‌های داده رایانه‌ای بزرگ
- امکان انجام آزمون‌های تجربی گسترده و متعدد بر روی فرضیه‌های جدید

آنچه که تحقیقات کیفی می‌توانند به رشته مالی بیافزایند راه‌های پرسیدن سوالاتی است که هیچ‌گونه بانک اطلاعاتی در رابطه با آنها موجود نیست. چنین تحقیقاتی به توسعه و رواج نظریه ماورای پارادایم انتظارات عقلایی کمک خواهد کرد. در چارچوب منظم کسب و کار، تحقیقات کیفی به عنوان پارادایمی برای کسب شناخت ادامه می‌یابند و به محقق امکان می‌دهد سوالات مختلف را مطرح و انواع گوناگونی از داده‌ها را به روش‌های منحصر به فرد جستجو و بررسی نماید. اگرچه عوامل مقبولیت یک نظریه در نزد نظریه پردازان شامل قدرت اقتناع کنندگی، فراگیر بودن و سودمندی آن برای کاربران می‌باشد، اما همچنان پارادایم‌های جایگزین نوظهور، هنوز بطور گسترده پذیرفته نشده یا اشاعه نیافته‌اند (گیپل، ۲۰۱۳).

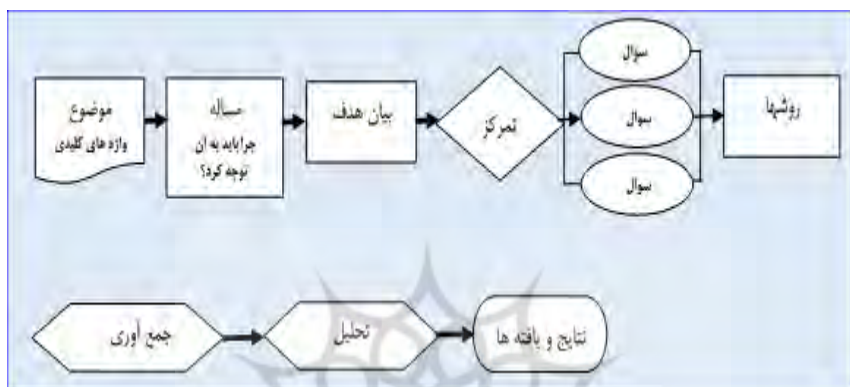
کاربرد نظریه و روش‌ها

پیش از آنکه یک نظریه را در مورد روش (های) تحقیق بکار گیریم، ضروری است نوع نگرش محقق نسبت به تحقیق را دریابیم. نمونه‌ای از فرآیند اندیشیدن محقق در نگاره زیر نمایش داده می‌شود تا جریان ایده‌آل اندیشه محقق راجع به تحقیق را طی یک فرآیند خطی (که با طرح

تحقیقات کیفی در مالی

موضوع و سپس مساله شروع، و با بیان هدف و تمرکز ادامه می‌یابد (نشان دهد). هر یک از مراحل فرآیند، با نمادی از تصمیم‌گیری مشخص می‌شود. مراحل ردیف بالا لزوماً باید در یک چارچوب منظم سیستماتیک شامل طرح مناسب سوال (های) تحقیق و طراحی روش‌های تحقیق (که قصد استفاده از آنها برای اجرای تحقیق وجود دارد) انجام شود. هنگامیکه مراحل فوق تکمیل شد، محقق می‌تواند مراحل ردیف پایین را ادامه داده و تحقیق واقعی را اجرا نماید.

نگاره (۲): نمونه‌ای از فرآیند اندیشیدن محقق

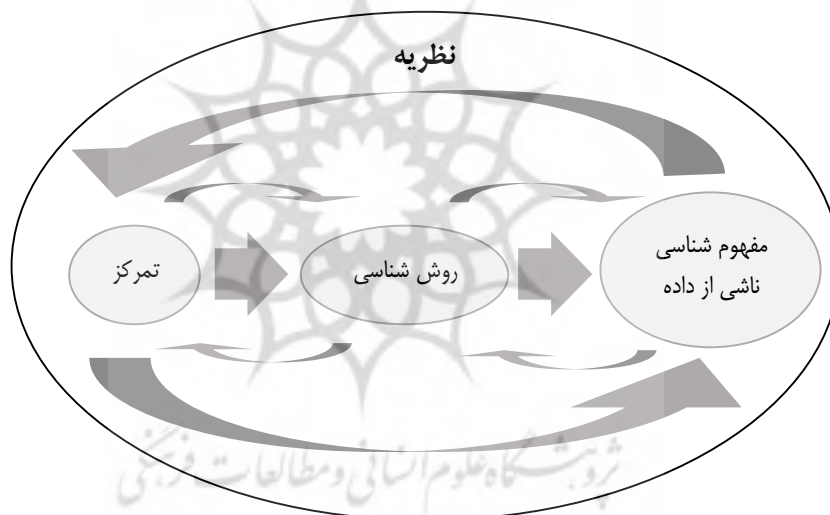


بزرگترین چالش این مدل آن است که عموماً طرح‌های تحقیقاتی فرآیند خطی این جریان را رعایت نمی‌کنند. این مشکل هنگامی رخ می‌دهد که محقق کار را از میانه فرآیند فوق آغاز کرده یا ترتیب اجرای مراحل را جابجا نموده است. به هر حال، اگرچه فرآیند فوق تصویر کاملی از پیچیدگی مراحل اندیشیدن در پس تهیه طرح تحقیق ارائه می‌کند، اما مدل تصمیم‌گیری را نشان نمی‌دهد. با توجه به در هم آمیختگی مباحث در برگیرنده مسائل اجتماعی، تصمیم‌گیری کاملاً واضح توسط محققان علوم اجتماعی به ندرت رخ می‌دهد. به همین دلیل بسط مناسب بیان مساله برای پایه ریزی یک تحقیق بسیار ضروری است. اندیشیدن به طرح تحقیق با پشت سرهم قرار دادن انتخاب مراحل مناسب و روش‌های تحقیق نقش مهمی در حمایت از هدف و تمرکز تحقیق نیز ایفا می‌کند. اگرچه سخت‌ترین بخش اندیشه محقق سیال بودن آن است، اما درگیر شدن در جریان متغیر طرح تحقیق به ظاهر پیچیده است. محقق علوم اجتماعی که به دنبال یک تحقیق با کیفیت بالا است باید نشان دهد طرح تحقیق، از پیش تعیین شده نیست و تنها منتج از حد و مرزهای ثابت روش‌های موجود نمی‌باشد، بلکه مرحله تمرکز تحقیق تعیین‌کننده انتخاب مناسب روش‌ها می‌باشد.

با توجه به نگاره ارائه شده می توان گفت اساساً در فرآیند تهیه طرح تحقیق هیچ اشاره ای به نظریه نشده است. رایت (۲۰۰۸) نشان می دهد "هیچ رابطه مشخصی بین مفهوم این واژه و سطحی از نظریه که به برنامه تحقیقاتی یا پروژه خاص مربوط باشد وجود ندارد" (ص ۲). تحقیق کیفی اهمیت رابطه با نظریه را به منظور حصول اطمینان از کیفیت بالا تحقیق شناسایی می کند (برگ، ۲۰۰۴؛ ریت، ۲۰۰۸؛ اسکرم، ۲۰۰۶).

حالتی از کاربرد نظریه در تحقیق، در نگاره زیر ارائه شده است. در اینجا نظریه به عنوان پنجره ای دیده می شود که محقق در یک فرآیند غیر خطی کمتر ساختار یافته برای کسب بینش بکار می برد. بعلاوه این مدل سیال نشان دهنده مداخله مستمر نظریه در جریان اجرای تحقیق است. برای بدست آوردن یک مداخله با معنی محقق باید به نحوی مناسب نظریه را با مرحله تمرکز تحقیق مرتبط سازد و تحقیق را از دریچه این پنجره نظری به پیش برد.

نگاره (۳): بکارگیری نظریه در تحقیق



چه وقت باید نظریه را به یک تحقیق کیفی مرتبط کرد؟ برگ (۲۰۰۴) نشان می دهد مداخله نظریه از همان ابتدا و بصورت مستمر می باشد؛ یک مداخله سیال به گونه ای که محقق را به حرکت دورانی رفت و برگشتی در سراسر طول عمر تحقیق تشویق نماید. این بدان معنی است که تعاملات نظریه و روش های تحقیق در هر مرحله از فرآیند، شامل موضوع، مساله، بیان هدف، تمرکز، جمع آوری داده، تحلیل و نتیجه گیری می تواند وجود داشته باشد. جریان تحقیق در

سراسر بررسی‌ها در یک مسیر غیر خطی حرکت می‌کند. به عنوان یک نتیجه، گنجاندن طرح تحقیق در یک مجموعه موافق با اصول طبیعی، وضعیتی برای حمایت از تحقیق کیفی بوجود می‌آورد. در چنین تحقیقی نظریه در درون روش‌شناسی و بخش وسیعی از جریان سیال فوق در هم تنیده می‌شود. این مساله فلسفه این استدلال که در جریان یک تحقیق کیفی هر تصمیمی باید توسط محقق اتخاذ گردد، را بهتر نشان می‌دهد.

گرایش فلسفی غالب در رشته مالی، اثبات‌گرایی است که موجب پدید آمدن چالش جالبی در رابطه با کاربرد اندیشه طرح تحقیق کیفی شده است. رابرت جفارت جی آر استفاده از نظریه در تحقیقات رشته مدیریت را به سه گروه اصلی شامل (۱) اثباتی و اثبات‌گرایی، (۲) تفسیری و (۳) پست مدرنیسم انتقادی طبقه بندی نموده است (رایانز، و جفارت، ۲۰۰۴). وی اعتقاد دارد هنگامی که تحقیق کیفی سعی می‌کند از طریق نظریه اثباتی یا اثبات‌گرایی بازتابی از تکنیک‌های تحقیق کمی را ارائه کند، ناسازگاری بین نظریه و روش‌شناسی امری عادی خواهد بود. عکس این چالش زمانی رخ می‌دهد که یک تحقیق کمی سعی دارد با استفاده از نظریه‌های پست مدرنیسم انتقادی یا تفسیری، تصویری از تکنیک‌های تحقیق کیفی را ارائه نماید. جفارت به این نکته اشاره می‌کند که "روش‌شناسی کیفی باید به شیوه‌ای بکار گرفته شود که هماهنگ با دیدگاه‌های نظری یا عملی پذیرفته شده و متناسب با مساله خاص مورد بررسی (تحقیق مورد نظر) باشد". چنانچه روش تحقیق کیفی است، بنابراین برای حصول اطمینان از کیفیت بالای اعتبار تحقیق باید رویکرد نظری کیفی اتخاذ گردد. برای به دست آوردن این مهم، محققان مالی با کاربرد روش‌های کیفی می‌بایست کاربرد اصطلاح نظریه را به مفهوم ائتلاف اجزای نظریه کیفی بسط دهند.

همزمان با حرکت پیوسته از سوی اثبات‌گرایی به پست مدرنیسم انتقادی با استفاده از تفسیرگرایی، دیدگاه نسبت به جهان هستی نیز در حال تغییر موضع از عین‌گرایانه به سمت مفاهیم چندگانه و شناخت عمیق‌تر می‌باشد. حال پرسش این است که چگونه می‌توان این امر را به دنیای مالی نیز تعمیم داد؟ با به کارگیری نظریه تفسیر کیفی یا پست مدرنیسم انتقادی جابجایی مهمی از گرایش به نظریه‌های اثباتی یا اثبات‌گرایی رخ داد. برای ایجاد این انتقال، محققان مالی ابتدا نیاز خواهند داشت هدف و تمرکز تحقیق را در هنگام تعیین کاربرد مناسب از نظریه مد نظر قرار دهند.

در ادامه برخی از نظریه‌های کیفی همراه با نمونه‌هایی از کاربرد آنها در مالی ارائه شده است. گزینش یک رویکرد نظری چیزی بیشتر از یادداشت برداری یک دیدگاه جالب از متن یک کتاب یا فهرستی از آنها است. هیچ راهکاری ساده‌ای وجود ندارد که نشان دهد کدام رویکرد کیفی بهترین است. نظریه‌های مختلف، ابزارهای متنوعی برای کار با داده‌ها و تحلیل آنها ارائه می‌کند. هر یک از آنها راه مشخصی را برای تفسیر مفاهیم خاص ارائه می‌کند و این محقق است که تشخیص می‌دهد کدامیک منطقی‌تر بوده و بینش بهتری را به دست می‌دهد.

تحقیقات کیفی

بطور کلی در خصوص انجام تحقیقات دو رویکرد یا پارادایم فکری می‌تواند وجود داشته باشد؛ اول، رویکرد خردگرایانه که بر پایه قدرت تفکر استوار بوده و فرض بنیادی این روش آن است که عقل قادر به شناخت همه پدیده‌ها می‌باشد. سه ویژگی این رویکرد تلخیص پذیری، تکرارپذیری، و ابطال پذیری است. استدلال قیاسی یعنی رسیدن از کل به جزء، اساس رویکرد خردگرایانه است که با مطالعات ارسطو آغاز شده است. دوم، رویکرد طبیعت‌گرایانه یا تجربی که مبتنی بر اصول پوزیتیویسم استوار می‌باشد، بدین معنی که فرض می‌شود "واقعیت" چیزی است که فرد می‌تواند به وسیله حواس خود آنرا تجربه کند. بنابراین می‌توان متغیرهای یک پدیده پیچیده را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد. استدلال استقرائی یعنی رسیدن از جزء به کل اساس رویکرد تجربی است. افزون بر این در این رویکرد ممکن است که "مورد مشاهده" و "مشاهده گر" بر یکدیگر اثر بگذارند و ارزش‌های پژوهشگر به نحوی فرآیند پژوهش را تحت تاثیر قرار دهد. به بیانی دیگر، چگونگی عنصر "مورد مشاهده" به تفسیر افراد و ذهنیت آنان بستگی دارد (سرمد و همکاران، ۱۳۷۹، ۷۸). برای مثال، تحقیقات مردم‌شناسی (قوم‌نگاری) دارای رویکرد طبیعت‌گرایانه هستند.

تعریف - بر اساس مطالعات نلسون و همکاران، پژوهش کیفی خود یک حوزه دانش و پژوهش میان رشته‌ای، فرارشته‌ای و گاه ضد رشته‌ای است که می‌توان آنرا در انواع رشته‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و حتی برخی از علوم طبیعی به کار برد. این فرآیند از ناحیه بسیاری از پارادایم‌ها، دیدگاه‌ها و جریان‌های معرفت‌شناسی تغذیه و تقویت می‌شود، انواع روش‌ها و ابزارهای پژوهش را به کار می‌گیرد و هدف آن بیش از

آنکه پیش بینی وضعیت باشد شناخت و درک پدیده است. در واقع پژوهش کیفی همزمان دو چالش عمده را در خود می پروراند و واجد تناقض است؛ از یک سو در تلاش است تا تجارب انسانی را با مفاهیم دقیق انتقادی، پسانتقادی، انسان مدارانه و طبیعت گرایانه تحلیل کند و از سوی دیگر به دلیل تأثیرپذیری از جریان‌های هرمنوتیکی، پساتجربی، پسامدرن و فمینیستی، ناگزیر از نگاه و تحلیل انتقادی به همه چیز از جمله مبانی انسان مدارانه و طبیعت گرایانه است. بنابراین قائل به دیدگاه‌های نه چندان همسو و بلکه غیر هم سوی پسامدرن و طبیعت گرایانه و یا چشم اندازهای انتقادی و انسان مدارانه است.

برخی از مهمترین نکات در تحقیقات کیفی عبارتند از:

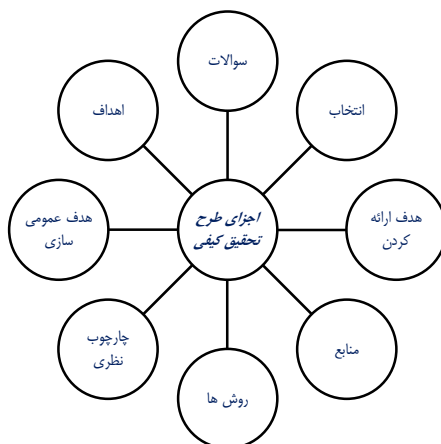
- تقسیم فرآیند تحقیق به مراحل مشخص جداگانه که البته در تحقیقات کیفی اغلب با دشواری همراه است.
- فرآیند تحقیق دارای ارتباطات متقابل است.
- منشاء شناخت بوجود آمده از نظریه بنیادین (زیربنایی) می‌باشد، اما برای سایر رویکردها نیز می‌تواند مناسب و سودمند باشد.
- نظریه‌ها، نسخه‌های مختلف جهان هستی می‌باشند، که از طریق انجام تحقیقات تغییر کرده و توسعه بیشتری پیدا می‌کنند.

ویژگی‌ها و اهداف - به نظر ملنود (۲۰۰۲) ماهیت پژوهش کیفی را می‌توان در این جمله خلاصه کرد: "هدف اساسی پژوهش کیفی عبارت است از توسعه فهم و درک این مطلب که جهان چگونه ساخته می‌شود". انواع گوناگون تحقیقات کیفی دارای ویژگی‌های مشترک می‌باشند و علیرغم وجود تفاوت‌هایی در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، رویه‌های مشابهی را بکار می‌برند. موارد زیر بخشی از اکثر رویکردهای کیفی می‌باشد.

- اولویت اصلی با داده‌ها است؛ چارچوب نظری از قبل معین نیست، بلکه بطور مستقیم از داده‌ها مشتق می‌شوند. پژوهش کیفی برای گردآوری و تولید داده‌های پژوهشی، از روش‌های انعطاف پذیر و حساس نسبت به بافت اجتماعی که داده‌ها از آن به دست می‌آید، استفاده می‌کند.

- تحقیقات کیفی محدود به متن می‌باشد و محققان می‌بایست نسبت به متن حساسیت داشته باشند.
- محققان باید خود را در مجموعه طبیعی از افرادی قرار دهند که دارای اندیشه‌ها و احساساتی هستند که آنها به دنبال بررسی آن می‌باشند.
- محققان کیفی بر نقطه نظرات مورد تحقیق (آزمون شوندگان) یا دیدگاه افرادی که در تحقیق مشارکت دارند و همچنین ادراکات، مفاهیم و تفاسیر آنها تأکید دارند. این نوع تحقیقات بر یک دیدگاه فلسفی "تفسیر گرایانه" استوار بوده و توجه آن به چگونگی تفسیر، درک، تجربه و به وجود آمدن جهان اجتماعی، معطوف است.
- محققان کیفی توصیف "بسیار ظریفی" را بکار می‌برند؛ آنها توصیف، تحلیل و تفسیر می‌کنند. این پژوهش بر آن گونه از روش‌های تحلیل و تبیین استوار است که در آنها به درک عمیق پیچیدگی، جزئیات و بافت پدیده‌های مورد مطالعه تأکید شود.
- رابطه بین محقق و مورد تحقیق بسیار نزدیک است و بر موقعیت برابر بعنوان افراد نوع بشر استوار است. پژوهش کیفی باید با خود انتقادی پژوهشگر همراه باشد. به بیان دیگر، پژوهشگر باید اقدام‌ها و نقش خود در فرآیند پژوهش را مانند داده‌های پژوهشی اش با موشکافی مورد نقد و بررسی قرار دهد.
- جمع آوری و تحلیل داده‌ها عموماً همزمان با هم انجام می‌شود و در برخی از انواع تحقیقات کیفی، در تعامل با یکدیگر نیز هستند.
- پژوهش کیفی باید به طور نظام‌دار و با دقت و سختگیری اجرا شود. پژوهشگر باید در فرآیند پژوهش به شیوه‌ای دقیق، جدی و نظام‌دار بیان‌دهد، برنامه ریزی کند و آنرا به انجام رساند. پژوهش کیفی باید به شیوه‌ای استراتژیک و در عین حال انعطاف پذیر اجرا شود.
- تحقیقات کیفی باید تبیین‌های اجتماعی برای معماهای عقلی یا ذهنی ارائه دهند. به عبارت دیگر، این نوع تحقیقات باید به تبیین‌های اجتماعی منجر شود، به گونه‌ای که تعمیم پذیر باشند و یا طنین گسترده‌ای داشته باشند. تحقیقات کیفی را نباید بر یک فلسفه و یا روش واحد و یکسان مبتنی دانست و یا آنها را در تضاد با پژوهش کمی تلقی نمود.

نگاره (۴): اجزای طرح تحقیق کیفی



مهم ترین اهداف تحقیقات کیفی به شرح زیر است:

- توصیف: هنگامی که اطلاعات کمی درباره یک گروه انسانی، یک سازمان یا برخی پدیده‌های اجتماعی وجود داشته باشد، مصاحبه‌های عمیق و مشاهدات علمی بهترین راه مطالعه آنها است.
 - تدوین فرضیه: پژوهشگری که معمولاً روش‌های کیفی به کار می‌برد، فرضیات صریح و روشنی ارائه نمی‌دهد. گردآوری اطلاعات دقیق درباره برخی پدیده‌ها باید به تدوین فرضیه‌هایی که از نظر علمی آزمون پذیر باشند، منتهی شود.
 - توسعه نظریه: بسیاری از افراد که پژوهش‌های کیفی انجام می‌دهند، براساس مهمترین هدفشان در صدد کشف یک نظریه یکپارچه درباره پدیده مورد مطالعه خود هستند. نظریه‌ها در پژوهش‌های کیفی اغلب به صورت زمینه داده‌های تجربی و نه بر پایه دیدگاه‌های از پیش تعیین شده پژوهشگر درباره موقعیت اجتماعی شکل می‌گیرد (پولیت و هنگلر). در مجموع، پژوهش کیفی اساساً می‌تواند اشکال جدیدی از دانستن را در سه شکل شامل شناخت دیگران، توسعه شناخت پدیده‌ها و تولید شناخت عمیق یا انعکاسی بوجود آورد.
- مقایسه تحقیقات کیفی و کمی** - مقایسه دو رویکرد کمی و کیفی نشان می‌دهد که پژوهش‌های کمی عمدتاً عینی، همراه با آزمون نظریه و مبتنی بر تحلیل‌های آماری هستند. در

مقابل، پژوهش‌های کیفی معمولاً ذهنی، همراه با توسعه نظریه و مبتنی بر گزارش‌های تفسیری هستند. از سویی دیگر، مبانی استدلال در پژوهش‌های کمی منطقی و قیاسی است و با هدف تعمیم نتایج و در راستای تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها انجام می‌شود.

نگاره (۵): مقایسه تحقیقات کیفی و کمی

شرح	کیفی	کمی
هدف	جستجوی تجربیات مشارکت‌کنندگان و دنیای واقعی از طریق درک، خلق نظریه با استفاده از داده‌ها	تحقیق در مورد توضیحات غیر رسمی، از طریق آزمون فرضیات، پیش‌بینی و کنترل
رویکرد	تأکید گسترده تبیین‌کننده فرآیند محدود به متن، اکثراً در مجموعه‌های طبیعی نزدیک شدن به داده‌ها	تأکید محدود تبیین‌کننده نتیجه بدست آمده آزاد از متن، اغلب در مجموعه‌های تصنعی یا آزمایشگاهی
نمونه	مشارکت‌کنندگان، آگاهی دهندگان واحدهای نمونه‌گیری از قبیل مکان، زمان و مفاهیم نمونه‌گیری هدفمند و نظری نمونه‌گیری انعطاف‌پذیری و قابل توسعه طی دوره تحقیق	پرسش‌شوندگان، مشارکت‌کنندگان (اصطلاح "مفعول" در حال حاضر در علوم اجتماعی توصیه نمی‌شود) نمونه‌گیری تصادفی چارچوب نمونه‌گیری قبل از شروع تحقیق مشخص است.
جمع‌آوری داده‌ها	مصاحبه‌های غیر استاندارد عمیق مشاهده یا پیمایش مشارکتی اسناد، عکس‌ها، ویدئوها	پرسشنامه، مصاحبه‌های استاندارد شده مشاهده ساختار یافته محدود اسناد اقدامات کنترلی تصادف
تحلیل	تحلیل ریشه‌ای، مقایسه‌ای ثابت نظریه بنیادی، قوم‌نگاری و غیره	تحلیل آماری
پیامد	یک داستان، شناخت مردم، یک نظریه	نتایج قابل اندازه‌گیری
روابط	مشارکت مستقیم محقق رابطه تحقیقاتی نزدیک	مشارکت محدود محقق رابطه تحقیقاتی دور
سطح دشواری	مورد اطمینان، دارای اصالت شاخص بودن و قابلیت انتقال پذیری	اعتبار درونی یا بیرونی، پایایی قابلیت تعمیم پذیری

در حالی که مبنای استدلال در پژوهش‌های کیفی استقرائی است و یافته‌های آنها معمولاً تعمیم‌پذیر نیست، زیرا ماهیت واقعیت در پژوهش‌های کمی عینی، ساده، یگانه، ملموس و قابل جداسازی تلقی می‌شود. در حالی که این ماهیت در پژوهش‌های کیفی ذهنی، پیچیده، کل‌نگر،

یک سازه اجتماعی و چندگانه است. مقایسه ویژگی‌های اصلی دو نوع تحقیق کیفی و کمی در نگاره ۵ خلاصه شده است.

کاربرد روش‌های کیفی

اغلب تصور می‌شود مالی متکی بر استفاده از روش‌های تحقیقاتی است که بصورت استاندارد شده، پرسشنامه‌ای، و مدل‌های نظری آماری می‌باشد. این روش‌ها ارزش خود را به اثبات رسانده‌اند و نظم خاصی را به مالی ارائه کرده‌اند، اما همچنان مراحل دیگری از تحقیقات باقی مانده است که می‌تواند با تلاش به کشف دانش جدید بیانجامد. حال سوالی که مطرح می‌شود این است که محققان مالی چگونه می‌توانند با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی، رویکرد چندگانه و متنوع تری را در امر جمع‌آوری داده‌های تجربی به کار گیرند؟ از نگاه بیننده غیرمتخصص، ممکن است تحقیقات کیفی به عنوان یک روش مصلحت‌آمیز برای مصاحبه‌های یک به یک، ساده‌سازی گروه هدف، یا یادداشت مشاهدات یک مورد خاص تلقی شود. چنین دیدگاهی در رابطه با استفاده از دامنه محدودی از منابع داده‌های کیفی نشان‌دهنده فقدان آگاهی لازم در مورد نحوه بکارگیری صحیح تحقیقات کیفی به عنوان یک فرآیند تجربی می‌باشد. ویژگی‌های (اهداف) پایایی و روایی تنها مختص تحقیقات کمی نیست، بلکه در همه انواع تحقیقات باید تلاش شود بالاترین سطح استانداردهای تخصصی موضوع، رعایت گردد.

برای انجام یک تحقیق کیفی با درجه اعتبار بالا، باید شیوه کاملاً متفاوتی از اندیشیدن را پذیرفت. بدین منظور باید روش‌های تحقیق را به چیزی فراتر از روش‌های جمع‌آوری داده بسط داد تا بر این اساس بتوان مفاهیم را ساخت و چارچوب‌های روش‌شناسی پیچیده را در طرح تحقیق بکار برد. تحقیق کیفی را می‌توان داشتن نگاه باز نسبت به مسائل ناشناخته در سراسر دوره تحقیق با حفظ منطق استقرایی و تلاش برای کشف یا تقویت درک عمیق‌تر روابط اجتماعی بغرنج و پیچیده تعریف کرد. این روش متفاوت از اندیشه شامل پذیرش مفهوم "محقق بعنوان ابزار" نیز می‌شود، استعاره‌ای که گریترز (۱۹۷۵) بکار برد تا تأکید کند که تحقیق و محقق در سطوح مختلف بسیاری در هم می‌آمیزند.

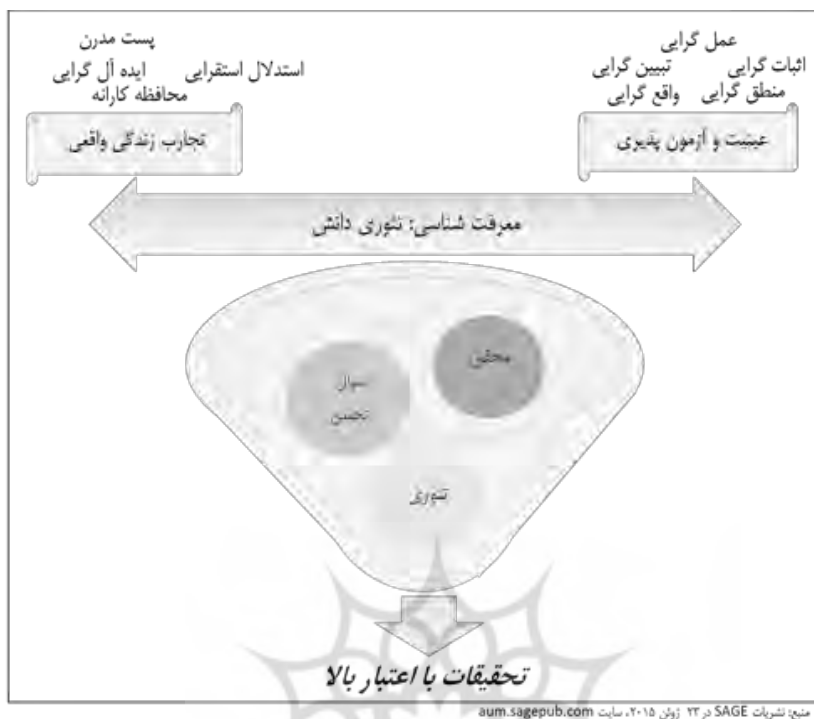
این مفهوم به این نکته اشاره دارد که برای محققان مدتی طول می‌کشد تا بر نقش خود در تحقیق و آنچه که آنها، بعنوان یک فرد، برای تحقیق به ارمغان می‌آورند، تأمل نمایند. این فرآیند

بازتابی، محقق را به بررسی نقش خویش در ساختن مفاهیم متعهد می‌کند. در تحقیقات کیفی، تشکیل دانش و مفاهیم در طول مدت جمع آوری و تحلیل داده‌ها مستقیماً توسط محقق (که بعنوان یک ابزار انسانی برای تحقیق عمل می‌کند) کنترل می‌شود. این نوع مشارکت مستقیم محقق در تحقیق به عنوان یک تفاوت بنیادین با تحقیقات کمی (که محقق همواره تلاش می‌کند به منظور رعایت بی طرفی، فاصله و استقلال خود را حفظ نماید) شناخته می‌شود. ایفای نقش ابزاری توسط محقق، بیانگر انتخاب طرحی است که استفاده از یک ابزار انسانی را به ساخت یک ابزار غیر انسانی ترجیح می‌دهد. محققان معمولاً در می‌یابند بین تحقیقات کمی و کیفی نوعی تقسیم بندی فلسفی وجود دارد (بردو، ۲۰۰۹، اریکان و روس، ۲۰۰۶). مشخص ترین شاهد این تقسیم بندی زمانی است که موقعیت محقق در تحقیق بعنوان یک ابزار نمایان می‌شود. با ایجاد امکان اندیشیدن به شیوه‌ای متفاوت درباره تحقیق، مفهوم "محقق بعنوان ابزار" می‌تواند پیچیدگی‌های درک عمیق تر تعاملات بشری را تبیین کند، امری که از طریق مشارکت مستقیم محقق به دست می‌آید.

لنزی که محقق برای آزمودن موضوع تحقیق بکار می‌برد نشان دهنده گرایشات نظری است که به بهترین شکل محقق را در مسیر تحقیق قرار می‌دهد؛ برای نمونه، مطالعه یک سازمان و تلاش برای یافتن پاسخ سوالات از طریق نگاه به فرهنگ سهامداران، در واقع بکارگیری یک رویکرد قوم نگاری کیفی در تحقیق است. در این شرایط محقق فرصت می‌یابد تا دامنه گسترده‌ای از گرایش‌های نظری که می‌توانند در طراحی و اجرای یک تحقیق بکار روند، را استفاده نماید. نگاره زیر پیوستاری از گرایش‌های تحقیق نظری شامل نظریه اثبات گرایی، عمل گرایی، محافظه گرایی، پست مدرنیسم، و انتقادی دنیز و لینکولن، ۲۰۰۵؛ گیسو و براون، ۲۰۰۹) را نشان می‌دهد (برای جزئیات بیشتر در مورد این گرایش‌های نظری، به پیتون (۲۰۰۲) و اسواندت (۲۰۰۷) مراجعه شود).

سمت راست این پیوستار به تحقیقات کمی مربوط می‌شود و بخش تجارب زندگی آن همتراز با تحقیقات کیفی می‌باشد. تحقیقات مبتنی بر روش‌های ترکیبی مشتمل بر هر دو جنبه این پیوستار ولی با درجات مختلف است. این سطح تنوع از چارچوب‌های فلسفی در سرتاسر پیوستار به تصمیم‌گیری محقق در رابطه با طرح تحقیق کمک می‌کند.

نگاره (۶): گستره گرایش‌های نظری



هر یک از این چارچوب‌ها دارای زبان مفهومی مشخص در مورد اصطلاحاتی همچون نظریه، قابلیت تعمیم پذیری، انتقال پذیری، اطمینان پذیری، ارزشمندی، اعتبار، اتکاء پذیری، و نهایتاً نحوه تعیین قابل اعتماد بودن یک تحقیق قوی می‌باشد (کوروآل جانگبرگ و دیگران، ۲۰۰۹). شوربختانه، استفاده از واژه‌های فنی کمی در یک تحقیق کیفی، و یا برعکس، می‌تواند مفاهیم را دچار ابهام نموده یا موجب سردرگمی در تحقیق شود و تفاوت‌های فلسفی را به اشتباه ارائه نماید. برای مثال، قابلیت تعمیم پذیری در یک تحقیق کمی یک مساله تأیید شده است، اما در یک تحقیق کیفی، خیر. این قبیل اشتباهات، استفاده از هر دو نوع روش تحقیق (کیفی و کمی) را تضعیف کرده و کیفیت تحقیقات را دچار خدشه می‌کند. همانطور که در نگاره ۶ ارائه می‌شود، قابلیت بکارگیری مناسب مفاهیم زبان تحقیقات مختلف، براساس سطح مهارت محقق در مواجهه با طرح سوالات تحقیق سنجیده می‌شود، که می‌تواند از طریق ترکیب محقق با گرایش‌های نظری مناسب مورد مطالعه قرار گیرد.

در پاسخ به مساله کیفیت و اعتبار، روش‌های تحقیق کیفی ادامه می‌یابد تا از طریق کاربرد در زمینه‌های بین رشته‌ای نمود پیدا کند. پیشنهاد پذیرش استانداردهای روش کیفی همچنان در سطح بالایی دنبال می‌شود (فریمن و دیگران، ۲۰۰۷)، اما موضوع بحث به مسائلی همچون استانداردهای بر خود تحمیل شده در چارچوب مقررات به هم تنیده منعطف شده است. با استفاده از روش‌هایی که یک دانش آموخته رشته مالی در رابطه با یک موضوع علمی مالی با ثبت کلیه متغیرهای بکار رفته و سپس حذف آنها در مطالعه پیش بینی بازده بکار می‌گیرد، تحقیقات کیفی مدرن رسمیت و اعتبار بیشتری می‌یابند.

نیازی نیست که تحقیقات کیفی جایگزین کارهای تجربی سنتی در مالی شوند، بلکه به عنوان مکمل یا مقدمه‌ای ارزشمند برای تکمیل و تقویت روش‌های تحقیق جاری در مالی تلقی می‌شود، مثل کاری که لینتتر در سال ۱۹۵۶ کرد. با اندیشیدن خارج از مرزهای عادت شده، فرد قادر خواهد شد نگاه تحقیقاتی خود را به سمت سطوح دیگری از مساله سوق دهد. محقق مالی، با به کارگیری روش‌های کیفی با مسیر تازه‌ای از تصمیمات راجع به طرح تحقیق روبه رو خواهد شد که کیفیت و اعتبار تحقیق را شکل می‌دهد. رویکرد محقق و قالب هر دو نوع روش تحقیق شامل کیفی و کمی، ایجاب می‌کند که هدف و تمرکز تحقیق به روشنی و از قبل تعیین شده باشد، هر چند در رویکردی که محققان کیفی و کمی در رابطه با هدف و تمرکز یک تحقیق اتخاذ می‌کنند، تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. ضرورتاً، محققان کمی سوالات و فرضیات تحقیق را طرح می‌کنند تا به روش قیاسی روابط عادی موجود را دریابند یا مدل نظری بالا به پایین را تأیید یا اثبات کنند. در سوی دیگر، محققان کیفی سرسختانه به دنبال بررسی، آزمون، یا کشف شناخت جدید براساس روش استقرایی می‌باشند (کرس ول، ۲۰۰۹). این تفکیک دقیق، رهنمودی است برای رفع بسیاری از ابهامات و پیچیدگی‌های موجود در تصمیمات طراحی که به ویژه محققان کیفی در طول دوره تحقیق با آن دست و پنجه نرم خواهند کرد. بنابراین بسیار مهم است که هدف و تمرکز یک تحقیق کیفی به طور دقیق نگارش و در همه مراحل تحقیق مورد کنکاش قرار گیرد.

رویکردهای نظری کیفی در مالی

دامنه گسترده‌ای از نظریه‌های کیفی از منظر محققان وجود دارد. شش مورد ارائه شده در ادامه این مطلب نمونه‌هایی از روش‌های مختلف همراه با نقطه نظرات پست مدرنیسم انتقادی و تفسیری می‌باشد. هر یک از این نظریه‌ها ارائه دهنده یک دیدگاه کیفی منحصر به فرد نسبت به رویکرد فلسفی محقق می‌باشد تا جهان هستی، منطقی‌تر به نظر برسد و شخص محقق نیز با استفاده از داده‌ها به ساخت مفاهیم مرتبط گردد. بسیار مهم است که بدانیم این مجموعه تنها فهرست کسالت آوری از روش‌های کیفی نیست، بلکه معرف تعداد اندکی از محققان رویکردهای کیفی است که از این رویکردها در طرح یک تحقیق بهره برده‌اند.

شش نمونه زیر، انتخاب شده‌اند تا دامنه‌ای از معرفت‌شناسی نهان در تحقیقات کیفی را نشان دهند. به لحاظ فلسفی، عینیت و واقع‌گرایی بسیار متفاوت از عقاید کیفی مبتنی بر تجربه و ایده آل‌گرایی می‌باشد. واقع‌گرایی اغلب به ثبات، اطمینان، ساختاریافتگی و امور عادی مربوط می‌شود، در حالیکه ایدال‌گرایی بیشتر شک و عدم اطمینان (با حفظ رابطه با ابهام) را شامل می‌شود. در ادامه به متونی اشاره شده است که برای علاقه‌مندان به تحقیق بیشتر در رابطه با فلسفه تقسیم‌بندی بین روش‌شناسی کیفی و کمی مفید می‌باشد (لسربای، اسکات، و ویلیامز، ۲۰۱۲؛ هوول، ۲۰۱۳؛ ناکس، ۲۰۰۴).

قوم‌نگاری کاربردی - مردم‌نگاری یا قوم‌نگاری به معنای توصیف "مردمان" یا "فرهنگ"ها است. تمرکز این روش بر یک گروه فرهنگی و تعامل افراد در این گروه و در یک دوره زمانی است. محقق مردم‌نگار به توصیف و تفسیر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای افراد یک گروه فرهنگی و تعامل آنان با یکدیگر می‌پردازد. مثلاً باورها و رفتارهای معلمان یک مدرسه یا کارگران یک کارخانه در یک دوره زمانی می‌تواند موضوع تحقیق مردم‌نگاری باشد.

قوم‌نگاری کاربردی در حالی که نوعی تحقیق کاربردی را در جامعه معاصر ترویج می‌کند، قوم‌نگاری سنتی را نیز تکامل می‌بخشد. متغیرهای این رویکرد شامل قوم‌نگاری تمرکز یافته‌ای است که دو ویژگی اصلی آن، ملاقات‌های میدانی کوتاه مدت و استفاده موکد از تکنولوژی‌های صوتی و تصویری می‌باشد (نوبلانچ، ۲۰۰۵). رویکرد قوم‌نگاری کاربردی شامل مطالعه و تفسیر فرهنگ معاصر می‌باشد. محقق با پرورش یک دیدگاه ناشی از کار تخصصی، دقت لازم جهت

رعایت احترام به مجموعه آداب فرهنگی، دیدگاه‌ها و اظهارات حاضران در این مجموعه را به عمل می‌آورد. محقق می‌کوشد تا در حین مطالعه مسائل فرهنگی (معاصر) با موضوعات غریب زندگی روزمره نیز آشنا گردد (اتکینسون و دیگران، ۲۰۰۲؛ اریکسون، ۲۰۱۲؛ پیتون، ۲۰۰۲؛ روهلدر و جوردن، ۱۹۹۷؛ ولکات، ۱۹۹۹).

نک (۲۰۱۴) در بررسی علت ترک خدمت زنان برتر شاغل در صنعت مالی، از رویکرد قوم‌نگاری کاربردی استفاده نمود. او دریافت، زنان شاغل در رده‌های بالا سازمانی، به دلیل ترکیبی از عوامل شامل ناکامی در محل کار، مشغله‌های شخصی مانند داشتن فرزند یا بازگشت از خارج از کشور، و داشتن حق انتخاب برای ترک خدمت، کار خود را ترک می‌کنند. نک نتیجه‌گیری می‌کند که زنان شاغل در پستهای رده بالای مالی به این علت ترک خدمت می‌کنند که عمدتاً این امکان برای آنها فراهم است.

تحلیل محتوایی - این رویکرد نظری به عنوان یکی از روش‌های کمی است که بصورت قراردادی در سنجش داده‌های کیفی بکار می‌رود. با استفاده از کدگذاری، متن به ماتریسی از متغیرها تبدیل می‌شود و سپس از طریق روش‌های آماری مورد سنجش قرار می‌گیرد. اگر تحلیل مورد نظر شامل چندین محقق باشد آنگاه پایایی بین رتبه کدگذاران بصورت عددی استانداردسازی می‌شود. همچنین، انواع معاصر تحلیل محتوایی، در حال پذیرش روش‌های کیفی تحلیل تفسیری می‌باشند (اسواندت، ۲۰۰۷). در اواسط دهه ۱۹۶۰، ساختار مقایسه‌ای پایدار مفاهیم متنی منتج از تحلیل محتوایی سنتی توسط گلاسر و اشتراس (۱۹۶۷) پذیرفته شد و به نظریه بنیادی (زیربنایی) ملحق گردید. تحلیل محتوایی کیفی معاصر، آزمون‌های وابسته به قوانین و طبقه بندی حجم زیادی از داده‌های متنی از طریق فرآیند کدگذاری و شناسایی الگوها و مدل‌ها را پشتیبانی می‌کند (فرکلاف، ۲۰۱۰؛ هسیه و شانون، ۲۰۰۵).

نمونه‌ای از کاربرد تحلیل محتوایی در تحقیقات مالی، می‌توان به بررسی "جهت حرکت بازار طی ۳۰ سال گذشته برای شناخت بهتر نقش خزانه داری استرالیا (RBA)" اشاره کرد. در این مطالعه، باید بیانیه‌های فصلی (هر سه ماه یکبار) خزانه داری استرالیا در رابطه با سیاست‌های پولی، به منظور کدگذاری و تحلیل کیفی جمع آوری گردد. بعلاوه، یک محقق کمی احتمالاً با شناسایی متغیرهایی برای اندازه‌گیری، وارد عرصه تحقیق می‌شود، در حالیکه یک طرح کیفی مستلزم آن است که محقق در حین اجرای آزمون‌های وابسته به قوانین و طبقه بندی مفاهیم،

همواره ذهنی باز و رویکردی استقرایی را حفظ نماید. در این مثال کیفی، محقق باید از بکارگیری کدهای از پیش تعیین شده اجتناب نماید. کدهای از پیش تعیین شده برگرفته از مفروضات و سایر تعصبات (سوء گیری‌های از قبل تعیین شده) محققان قبلی می‌باشد (چارمز، ۲۰۰۶). این نقطه تمایز بسیار مهم به شمار می‌رود، زیرا ساختار کدها و طبقات معرف تشکیل مفاهیمی است که در آن هر کد به مثابه برچسبی از شالوده مفاهیم بزرگتر می‌باشد.

ساختار گرایی اجتماعی - این رویکرد محقق را به سوی ساختن مفاهیم اجتماعی جهان هستی از دیدگاه یک شخص هدایت می‌کند. اسکین (۲۰۱۰) اظهار می‌دارد که فرهنگ بصورت اجتماعی ساخته می‌شود و بر پایه دیدگاه‌های به اشتراک گذاشته شده بازیگران منفرد (هر یک از افراد آن اجتماع) استوار است. فرهنگ نحوه نگرش به جهان هستی (جهان بینی) را شکل می‌دهد؛ ادراکات، احساسات، و استفاده از زبان همگی بر پایه تعاملات اجتماعی افراد تعریف می‌شوند. بنابراین، محقق نیز به دنبال درک و شناخت بهتر دنیایی هست که بصورت اجتماعی ساخته می‌شود و براساس درک بشر از فرهنگ و مفاهیم زبان شناسی شکل می‌گیرد (پیتون، ۲۰۰۲).

تحقیق در مورد سقوط و ورشکستگی شرکت اوراق بهادار مالی استرالیایی با مسوولیت محدود (SFL) در سال ۲۰۰۹ نشان می‌دهد که چگونه ساختارگرایی اجتماعی می‌تواند بکار گرفته شود. آرون براهن (۲۰۱۳) سوال "حال چه خواهد شد" را در مورد سرمایه گذارانی که بیشترین خسارت را بر اثر این ورشکستگی متحمل شده بودند، مطرح و بررسی نمود. چنین تحقیقی منجر به شناخت عمیق‌تر اثرات بحران مالی بر روی افراد و فراتر از چارچوبهای مالی می‌شود. او از مصاحبه با سرمایه گذاران دریافت که "احتمالاً بارزترین جنبه این ورشکستگی تنوع، دامنه و عمق اثری است که بر زندگی افراد گذاشته است". آنچه در پس این شناخت عمیق‌تر قرار گرفته شکستی است که در ساختار اطمینان رخ داده و آسیبی که به صنعت مالی وارد گردیده است، می‌باشد.

نظریه بنیادی (زیربنایی) - نظریه بنیادی یکی از روش‌های پژوهش کیفی و با رویکرد اکتشافی است، که طی آن پژوهشگر به جای اتکا به نظریه‌های موجود خود به تدوین نظریه می‌پردازد. نظریه حاصل از این روش از طریق گردآوری و تحلیل سازمان یافته داده‌ها در یک دوره زمانی نسبتاً طولانی تدوین می‌شود.

در این مدل محقق به طور همزمان به جمع آوری و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. این مساله منجر به شکل‌گیری چرخه‌های متعامل مقایسه‌ای می‌شود که تحلیل و تشکیل نظریه را در هم می‌آمیزد. در طول این فرآیند تفسیری، مفاهیم نیز شکل می‌گیرند. یکی از فنون بکار رفته در نظریه‌بنیادی معروف به "عضو حیاتی"، به معنی حفظ مفاهیم با اهمیت در محتوای زبان مشارکت‌کنندگان در این مجموعه است. تکنیک‌های کدگذاری در نظریه‌بنیادی عبارتند از کدگذاری باز، محوری و گزینشی، که اغلب به عنوان یک فرآیند ساختاریافته منتج از شیوه تحقیق استقرایی، مورد پذیرش سایر نظریه‌های کیفی نیز می‌باشد. در اولین مرحله از کدگذاری (کدگذاری باز)، محقق نسبت به ایده‌ها و سطوح اهمیت با ذهنی باز وارد می‌شود. این فرآیند شامل کاوش مستمر هر چه عمیق‌تر در یافتن داده‌ها و حفظ حس کنجکاوی می‌باشد. در مرحله بعد، یعنی کدگذاری محوری، محقق با ایجاد فزاینده کدهای باز در الگوهای تحلیلی معنی‌دار به تولید و باز تولید ارتباطات می‌پردازد. نهایتاً مرحله کدگذاری گزینشی، بیانگر فرآیندی است که طی آن محقق به منظور جستجوی بیشتر، سایر راه‌های باقی مانده را با دقت مورد بررسی قرار می‌دهد. اینجاست که محقق در مرحله ایجاد رهنمودهای انعطاف‌پذیر از مفهوم قرار می‌گیرد (چارمز، ۲۰۰۶). در مرحله سوم، به منظور بررسی‌های بیشتر و تفسیر مصاحبه‌ها، مرور ادبیات موضوع می‌تواند کاربرد داشته باشد (گلاسر و اشتراس، ۱۹۶۷؛ کوربین و اشتراس، ۲۰۰۸).

نمونه‌هایی از کاربرد رویکرد نظریه‌بنیادی توسط هو (۲۰۱۴) و براهن (۲۱۰۴) ارائه می‌شود. هو تصمیم سرمایه‌گذاری جهت خرید یک قایق ماهیگیری را با استفاده از رویکرد نظریه‌بنیادی بررسی نمود، بدین صورت که مفهوم مورد نظر را از دیدگاه اعضای جامعه ماهیگیران مورد کنکاش قرار داد. براهن (۲۰۱۴) اثرات فردی و اجتماعی پدید آمده متعاقب ورشکستگی شرکت مالی (SFL) را بررسی نمود. فرآیند تدوین نظریه‌بنیادی در نه گام شامل مروری بر متون تخصصی، انتخاب موردها، تدوین پروتکل دقیق گردآوری داده‌ها، ورود به میدان تحقیق، تنظیم داده‌ها، تحلیل داده‌ها (کدگذاری باز، محوری و گزینشی)، نمونه‌گیری نظری، پایان فرآیند، و سرانجام مقایسه نظریه در حال ظهور یا شکل‌گیری با متون جدید خلاصه شده است (پندیت، ۱۹۹۶).

نظریه سیستم‌ها - پذیرش نظریه سیستم‌ها در تحقیقات کیفی از شاخه جامعه‌شناسی توسعه پیدا کرد. یک برنامه، سازمان، یا ساختار اجتماعی از اجزای مختلفی تشکیل می‌شود. تعامل بین

این اجزا تعیین می‌کند که کارکردهای یک سیستم اجتماعی به عنوان یک کل چگونه عمل می‌کند. کاربردهای سنتی نظریه سیستم‌ها در خرده نهادهای اجتماعی سنتی همچون شرکت، دولت، دادگاه، خانواده، مذهب، آموزش، تکنولوژی و مطبوعات مشاهده می‌شود. تحلیل کیفی با استفاده از رویکرد نظریه سیستم‌ها، شامل در نظر گرفتن یک سیستم بطور مجزا و استفاده از بررسی روابط گوناگون اجزا می‌باشد. این رویکرد نظام مند آزمون مشخصات متمایز کننده از قبیل نقش‌ها، کارکردها، حد و مرزها، و همپوشانی‌ها را تسهیل می‌کند. تحلیل مذکور می‌تواند سؤالاتی همچون آیا اجزای سیستم وابستگی درونی دارند؟ اگر هر یک از اجزا در بالاترین سطح راندمان خود باشد، آیا کل هم در بالاترین سطح راندمان قرار دارد؟ از مطالعه تعامل بین اجزا چه می‌توان آموخت؟ را برانگیزاند.

گیپل (۲۰۱۴)، نوعی از کاربرد نظریه سیستم‌ها را به منظور بررسی شرایط روش‌های تحقیق میدانی و جاری در مالی ارائه نمود. در این مطالعه سه سوال مطرح می‌شود؛ "۱) تأثیرات سیستم مالی دانشگاهی (آموزشی) بر نحوه بکارگیری آن در اجرا کدامند؟ ۲) آیا می‌تواند به گونه‌ای متفاوت عمل کند؟ ۳) نحوه تعامل و واکنش آن به اجزای محیط گسترده پیرامون خود چگونه است؟". نتایج تحقیق گیپل نشان می‌دهد مرزهای ظریفی بین اجزای تشکیل دهنده رشته مالی وجود دارد که نوآوری و تغییر در روش تحقیق را محدود می‌کند.

نظریه تغییر انتقادی - این رویکرد نظری نیز در رده سایر گرایش‌های پست مدرنی قرار می‌گیرد که براساس آنها محقق به صورت آزادانه اعتقادات ایدئولوژیکی قدرتمندی را افشاء می‌کند. دلیل این امر با استفاده از طبقه بندی جفارت در رابطه با پست مدرنیسم انتقادی ارائه می‌شود. یکی از اهداف این گرایش آگاهی بخشی از مقابله با اعتقادات اجتماعی بوجود آمده است، بدین صورت که از طریق یک روش کاربردی معنی دار درصدد القای تغییر در روش می‌باشد. این مساله شامل بررسی نقادانه رویه‌های تشکیل یافته در اجتماع و روابط موجود با نگاه ویژه به مساله قدرت و کنترل است. مشارکت مستقیم محقق به همان اندازه که می‌تواند نوعی احترام به شمار آید، می‌تواند بیانگر محرومیت از حق رای، به حاشیه رانده شدن، محرومیت از فرصت‌ها، و سایرین خارج از جریان اصلی قدرت و نفوذ جامعه باشد (پیتون، ۲۰۰۲؛ ویس و گرین، ۱۹۹۲).

بطور اساسی، این نظریه در مورد به دست آوردن و از دست دادن قدرت است. جمع آوری داده‌ها از مشارکت کنندگان در گروه‌های تحت نظر می‌تواند نمونه‌ای از آن باشد. در پی بحران مالی بین‌المللی، سرمایه‌گذاران در صندوق‌های بازنشستگی می‌توانستند دیدگاه‌های منحصر بفردی را درباره مدیران صندوق‌های خود ارائه کنند (چیپه و دیگران، ۲۰۱۴). نمونه دیگر این نظریه می‌تواند حساب قیمتی و سقوط بخش مسکن در جریان بحران وام‌های رهنی در ایالات متحده باشد. همچنانکه فک رهن وثائق ملکی در حال تبدیل شدن به یک بحران ملی بود، عملکرد وام‌دهندگان رهنی، با شدت بیشتری تحت نظر جامعه قرار می‌گرفت که در نتیجه آن مداخله دولت از طریق نهادهای قانونگذار هم در سطح ایالتی و هم فدرال به منظور کاهش ناتوانی در بازپرداخت اقساط وامها و کمک به حفظ و ترغیب مالکیت مسکن صورت پذیرفت.

مروری بر تحقیقات داخلی

ثقفی و برزگر (۱۳۹۱) در تحقیق خود به بررسی مباحث روز حسابداری مدیریت و به ویژه فقدان ارتباط و یکپارچگی بین پارادایم‌های تحقیق پرداخته‌اند. آنها با مروری بر تحقیقات کیفی به ماهیت و اهمیت تحقیقات کیفی و نقش آن در توسعه نظریه، نگرش انتقادی نسبت به این نوع تحقیقات در حسابداری مدیریت ارائه نمودند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد نبود امکانات و شرایط لازم و کافی، موانع مختلف از جمله موانع ذهنی، علمی و مالی و عدم تعریف درست از این نوع تحقیقات، باعث گردیده راه برای این قبیل تحقیقات، به صورت دقیق و آشکار هموار نباشد. طرح و اجرای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری با رویکرد تحقیق کیفی و ترکیبی بسیار معدود است. بنابراین، باید این رویکرد تحقیقی در سطح دانشگاه و حرفه‌ای ترویج داده شود.

در مقاله‌ای دیگر، یغمایی (۱۳۹۰) به بررسی موقعیت تحقیقات کیفی در حوزه حسابداری مدیریت پرداخت و تأمل انتقادی و ارزیابی مشخصات نسبی خود از ادبیات غالب تحقیق کمی حسابداری اثباتی را ارائه نمود. به لحاظ کاربرد روش‌های تحقیق کیفی در حسابداری، تحقیقات حسابداری مدیریت جزو پیشگامان این امر محسوب می‌شوند. مقاله مزبور ضمن بررسی ویژگی‌های کیفی در این حوزه، چشم انداز آتی این نوع تحقیقات را نیز ارزیابی نمود. نتایج این بررسی نشان می‌دهد روش‌های کیفی به درک و نقد فرآیندهای حسابداری مدیریت کمک

می‌کند و امکان رفع نگرانی شاغلین و سیاستگذاران را دارد. تعامل نزدیک محقق در این زمینه، توجه به فرآیند، استقبال از پیچیدگی موقعیتی و مفاهیم انعکاسی و انتقادی از پدیده سازمانی، به عنوان مشخصات این روش می‌باشد.

مشایخی و همکاران (۱۳۹۲) از پیشگامان کاربرد نظریه بنیادی در ایران می‌باشند که با استفاده از روش تحقیق کیفی به جستجوی مدلی برای تعیین کیفیت حسابرسی مبتنی بر فضای فعالیت این حرفه در کشور پرداختند. تحقیق مذکور به لحاظ روش تحقیق در بین تحقیقات حوزه مالی داخل کشور منحصر به فرد و از این لحاظ پیشرو محسوب می‌گردد.

تحلیل داده‌ها از منظر نظریه کیفی

نقش محققان برآمده از نوع جهان بینی آنها است که دربرگیرنده تعامل فلسفه و نظریه‌های تحقیق است. این ارتباط متقابل، دریچه‌ای را بر روی محققان می‌گشاید که از آن برای طراحی و اجرای تحقیقات علوم اجتماعی استفاده می‌کنند. به واسطه تعامل دوسویه، محقق می‌تواند با این دیدگاه هماهنگ شده و بدین ترتیب از بینش درونی خویش در بهبود کیفیت و اعتبار تحقیق بهره مند گردد.

تحقیقات کیفی محققان را بر آن می‌دارد که بطور مستمر بینش درونی خود را از طریق فرآیند تجربی یک تحقیق استقرایی پالایش نمایند. اگرچه محققان معمولاً بطور فزاینده‌ای به دنبال ارائه استدلال‌های قیاسی می‌باشند، اما آنها باید سرسختانه مقاومت کنند. روش استدلال استقرایی یکی از الزامات تحقیقات کیفی است. پایش جابجایی‌های صورت گرفته بین استدلال استقرایی و قیاسی این امکان را برای محققان بوجود می‌آورد که مسائل را شکافته و ساختارهای مفهومی را مستندسازی نمایند. این جابجایی انواع بینش کیفی را توسعه داده و به طور پیوسته تبادل بین بینش‌های استقرایی و ارزشهای قیاسی را ارائه می‌کند.

کارآگاه خیالی، شرلوک هولمز با این جمله مشهور خود شیوه استدلال قیاسی را نشان می‌دهد. وی می‌گوید: "هنگامیکه غیر ممکن‌ها را حذف کردید، آنچه باقی می‌ماند، هر چند غیرمحمتمل، ولی باید حقیقت باشد." داشتن ذهن باز و رویکرد استقرایی چالش بسیار بزرگی برای محققان علوم اجتماعی است، زیرا هنجارهای جامعه عموماً مبتنی بر استدلال قیاسی است. بعنوان یک نتیجه، افراد تنها قادر به دیدن آن چیزی هستند که به خود اجازه می‌دهند. هنگامی که محقق در

تفکر تحقیقاتی خود به یک نقطه مفهوم سازی مبتنی بر قیاس می‌رسد، سایر مفاهیم موجود یا به اشتباه برداشت می‌شوند یا اساساً نادیده گرفته می‌شوند. درست برعکس آنچه که بازرس مورس با یک استدلال استقرایی بیان می‌دارد: "شما کورکورانه در امتداد مسیری تاریک در جستجوی کور سویی از نور برای روشن کردن راه می‌باشید".

ساخت مفهوم با استفاده از داده‌های کیفی این آزادی را به محققان می‌دهد که به روش استقرایی تحقیق کنند، کشف کنند، و به دنبال درک و شناخت عمیق‌تر پیش روند. هر دریچه مشوقی برای کسب بینش عمیق به روشی جدید و متفاوت است. بدین صورت که هر چه محققان توجه عمیق‌تری به پارادیم کیفی داشته باشند به همان نسبت از بینش بدست آمده از دریچه‌های مختلف بهره مند خواهند شد.

استراتژی‌های کاربرد یک رویکرد نظری کیفی

رشته مالی تنها درباره تخصیص دارایی‌ها تحت شرایط عدم اطمینان نیست، بلکه این رشته راجع به تعاملات اجتماعی و فرهنگی افراد در چارچوب مرزهای بازار نیز می‌باشد. مراحل که محققان رشته مالی در فرآیند گرایش به سمت نظریه‌های کیفی باید طی کنند، کدام‌اند؟ چگونه می‌توان نظریه را به طرح تحقیق گره زد؟ از کجا باید شروع کرد؟ افراد عموماً غرق در جهان بینی مورد پسند خود هستند و در شناخت مسائل دیدگاه فلسفی مخصوص به خود را دارند. هر طرح تحقیق کیفی باید طی مراحل نظری مناسب بنا شود. همانطور که پیشتر اشاره شد، اغلب تحقیقات مالی تمایل به گرایش‌های نظری دارند که به لحاظ فلسفی بصورت یک دیدگاه عینی از دنیای واقعی بیان می‌شوند. شش نمونه ارائه شده از کاربرد نظریه‌های کیفی، برای ترغیب محققان به در نظر گرفتن راهبردهای منحصر بفردی است که آنها را قادر می‌سازد تولید دانش کرده و سوالات تحقیق را به روشی جدید طرح نمایند. جهان بینی افراد، همان نحوه درک آنها از دنیا است، که رویکرد آنها نسبت به داده‌ها را شکل می‌دهد. داده‌ها به خودی خود ظاهر نمی‌شوند، بلکه یک فرآیند تجربی برای جمع‌آوری آنها نیاز است. بر اساس روش‌های کیفی، محققان نمی‌توانند گزارش کنند که داده‌ها چه می‌گویند؛ داده‌ها هیچ حرفی نمی‌زنند، بلکه این محققان هستند که با بیرون کشیدن مفاهیم از دل داده‌ها از طریق یک دریچه نظری و تحلیل تجربی، طی تفسیری سیستماتیک صحبت می‌کنند. آنچه محققان از داده‌ها به دست می‌آورند

بخشی از فرآیند روش‌شناسی مشتق شده از این دیدگاه نظری است؛ با انجام هر مرحله از تحقیق، محققان یک رابطه نظری با داده‌ها برقرار می‌کنند.

در ادامه به یک بحث غیر رسمی خواهیم پرداخت که می‌تواند رهنمودهای مناسبی را برای محققان رشته مالی، در درک بهتر دقت لازم در انتخاب نظریه و پیچیدگی کاربرد فرهنگ لغات فنی تحقیق برای نظریه ارائه کند. روش‌های تحقیق علوم اجتماعی، تعریف پایه رابطه علت و معلولی را بدین شرح پذیرفته‌اند؛ "تغییر در متغیر مستقل منجر به تغییر در متغیر وابسته خواهد شد". اگرچه این تعریف، درک خوبی از رابطه علیت را ارائه می‌دهد، اما در فهم پیچیدگی تشکیل مفاهیم کیفی در تحقیقات علوم اجتماعی به کلی ناتوان است. ماکسول (۲۰۱۲، ص ۶۵۶) چنین ادعا می‌کند "شناخت ما درباره دنیا، شامل شناخت روابط اعم از علی و تصادفی، الزاماً ساخته و پرداخته خودمان است، ناقص و خدشه پذیر، تا یک درک عینی از حقیقت موجود". یک چنین درک محدودی از روابط علی، به محققان علوم اجتماعی این امکان را می‌دهد که در جستجوی تنها یک سری توضیحات تصادفی از بین دامنه وسیعی از روش‌های تحقیقات علمی معاصر باشند. اریکسون (۲۰۱۲) شواهد بیشتری از کاربرد علیت با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی را ارائه می‌دهد. یکی از ویژگی‌های اصلی تحقیقات کیفی انعطاف پذیری آنها در بررسی اقدامات اجتماعی خاص است که همین امر باعث می‌شود درک بهتری از شرایط پیچیده ارائه نماید. بنابراین بینش می‌تواند درک عملیات علی را در شرایط خاص تقویت نموده و قابلیت انتقال پذیری و رای شرایط خاص را نیز مشخص نماید.

هیچ پاسخ سیاه و سفیدی در رابطه با نظریه کیفی برای یک طرح تحقیق وجود ندارد. تحقیق کیفی مستلزم پذیرش آستانه‌ای از ابهام برای دامنه گسترده و متغیری است که از بین‌گرایش‌های نظری کیفی مختلف در نظر می‌گیریم (هیل، ۲۰۰۷). هرچند چنین انعطاف پذیری می‌تواند مخرب باشد، اما تنوع بالای مراحل روش‌شناسی در تحقیقات کیفی، این قابلیت را به محقق می‌دهد که در بررسی موضوعات و سوالات به صورت پایدار و از طریق گسترش مجموعه قوانین طبیعی انعطاف پذیری مناسبی داشته باشد.

انعطاف پذیری در کاربرد نظریه کیفی به استفاده بیش از یک رویکرد نظری در تحقیق هم قابل تعمیم است. سه روش مختلف پیشنهادی شامل (۱) استفاده از ارکان بیش از یک رویکرد نظری کیفی در یک تحقیق، که تحت عنوان چند وجهی نظری شناخته می‌شود، (۲) هماهنگی

سازی رویکرد کیفی با یک نظریه بنیادی اصلی که دانش علوم اجتماعی را تعمیم می‌دهد، و (۳) ترکیبی از رویکردهای نظری که ترکیبی از روش‌های ناشی از هر نظریه را شامل می‌شود (گیسون، و براون، ۲۰۰۹) است. برای مثال یک تحقیق سازنده می‌تواند از طریق ترکیب اعضا با تحلیل نظریه بنیادی با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی، ساختار اجتماعی مفاهیم را ارائه دهد. لازم است توجه داشته باشید استفاده مناسب از نظریه‌های مختلف باید توسط طرح کلی تحقیق تأیید شود.

یکی از حوزه‌های نویدبخش برای تحقیقات مالی ترکیب نظریه بنیادی با یک گرایش نظری کیفی مناسب است. این چالش برای محققان رشته مالی به این امر منجر خواهد شد که نظریه کیفی کنترل تحقیق را به دست گیرد. نگاه به هر مرحله از تحقیق از منظر کیفی لازمه حفظ یکپارچگی طرح کیفی است. ارتباط بین اجزا، مستلزم درک و شناخت پارادایم‌های جایگزین از قبیل تحقیقات کیفی است. اعتبار و قابلیت انتقال یافته‌های تحقیقات کیفی تنها می‌تواند برخاسته از ساختمان طرح تحقیقی باشد که به لحاظ روش‌شناسی سالم است. استفاده از نظریه در این فرایند یک ضرورت به شمار می‌رود.

دفاع از تحقیقات کیفی

تحقیقات کیفی کمابیش مورد انتقادهای گسترده قرار گرفته است. میشلر در پاسخ به انتقادهای می‌گوید: "روش‌های دیگری به جز روش‌های استاندارد، مانند مصاحبه بدون ساختار، به عنوان روش‌های خطا دار تلقی می‌شوند. من، در مقابل، بحث می‌کنم که مصاحبه استاندارد، به گونه‌ای اساسی، دارای خطا است و بنابراین نمی‌تواند به عنوان یک الگوی ایده‌آل، که سایر روش‌ها را با آن می‌توان سنجید، به کار برده شود." همچنین، قایوری و دیگران می‌گویند: "در ادبیات روش‌شناسی تحقیق، مباحثی در رابطه با اینکه کدام روش مناسب‌تر یا علمی‌تر است، مطرح است. گاهی نیز گفته می‌شود روش‌های کمی و ساختار یافته علمی‌تر و در نتیجه بهتر هستند، اما به اعتقاد ما، این روش‌ها فقط به خاطر اینکه کمی هستند بهتر یا علمی‌تر نیستند. اینکه کدام روش برای کدام تحقیق مناسب‌تر است، بستگی به موضوع تحقیق و هدف آن دارد.

برمن، لی کامپت و گوتز ادعا می‌کنند که: "انتقادهای وارده به پژوهش‌های کیفی، به این دلیل نیست که نقص واقعی در الگوی کیفی وجود دارد، بلکه به این دلیل است که واژه

تجربی به اشتباه برابر و مترادف با واژه کمی به کار برده می شود". از طرف دیگر بسیاری از روش شناسان پژوهش (به عنوان نمونه گلاسر و اشتراس، ۱۹۶۷ و مانن، ۱۹۸۳) معتقدند که پژوهش‌های کمی به علت استفاده از ابزار و اجزای کمی از قبل تعیین شده، نمی توانند واقعیت دنیای پیچیده متغیرهای مورد مطالعه را به طور کامل منعکس کنند، زیرا آنها، واقعیت را به قسمت‌های کوچک محدودی تقسیم می کنند و سپس به وسیله مدل‌های آماری (که خود محدودیت‌های افزون تری را ایجاد می کنند) آن‌ها را مورد اثبات تجربی قرار می دهند.

مایلز می گوید حقیقت این است که اگرچه روش‌های تحقیق گوناگون تحت عنوان روش‌های کمی و کیفی توسط محققان متعددی بکار برده می شود، اما در واقع همه این مطالعات در مسیر بسط و گسترش علم و کشف حقیقت می‌باشند که هدف نهایی هر تحقیق است، اما این تا زمانی صادق است که علم به عنوان راهی مشخص و نظام مند جهت درک و کشف متغیرهای مورد مطالعه تعریف شود (مایلز، ۱۹۷۹).

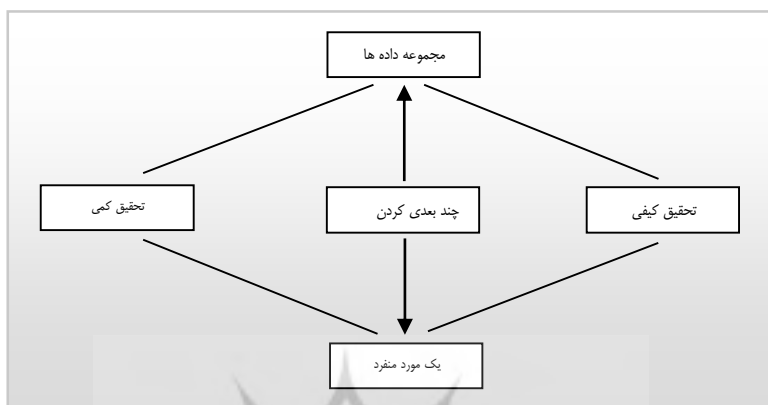
بنابراین، محققان علمی ممکن است یا روش اثبات گرایی را دنبال کنند و یا علاقمند به درک پدیده‌های پیچیده انسانی و به اصطلاح زندگی جهانی باشند. در مورد اول، پژوهشگر روش‌های تجربی را از علوم طبیعی دریافت می کند تا پدیده مورد نظر را مطالعه کند. در این حالت، الگوهای کمی، جمع آوری گسترده داده‌های عددی و استفاده از مدل‌های آماری جهت آزمون فرضیه‌های تجربی از قبل تعیین شده، به کار می رود. در حالت دوم، پژوهشگران روی زبان‌ها و معانی که اشخاص را به آن‌ها منتسب می کنند، تکیه می کنند. در این مورد، زندگی جهانی شامل انگیزه‌ها، علامت‌ها، احساس‌ها و معانی آن‌ها و همچنین سایر برداشت‌های ذهنی مربوط به زندگی اشخاص و گروه‌ها می گردد (برگ، ۱۹۸۹).

تلفیق تحقیقات کیفی و کمی

رویکردهای روش شناختی ترکیبی به تلفیق عملی تحقیقات کیفی و کمی علاقه مند بوده و مدعی است که سومین جنبش روش شناختی را پس از کمی و کیفی به راه انداخته است. بارتون و لازارسفلد پیشنهاد می کنند که از تحقیق کیفی برای فرضیه سازی و از تحقیق کمی برای آزمون فرضیات می توان استفاده نمود.

تلفیق چندین روش کیفی نیز به معنی تلفیق روش های کیفی و کمی به شمار می رود. در این حالت دیدگاه های روش شناختی مختلف یکدیگر را در مطالعه یک موضوع کامل می کنند. به این معنا که نقاط کور و ضعف های یکدیگر را پوشش می دهند.

نگاره (۷): تلفیق تحقیقات کیفی و کمی



مطابق شکل، دو راه برای چند بعدی کردن وجود دارد: الف) تمرکز بر یک مورد منفرد، بدین ترتیب که با افراد واحدی مصاحبه شده و سپس از آنها پرسشنامه تکمیل می شود. پاسخ های آنان با یکدیگر مقایسه و در کنار یکدیگر قرار داده شده و در تحلیل به همدیگر ارجاع داده می شود. در هر دو مقطع درباره نمونه گیری تصمیم گیری می شود. در هر دو مرحله با افراد واحدی مصاحبه می شود، تنها با این تفاوت که در مرحله دوم باید تصمیم گرفت که کدام یک از شرکت کنندگان در مطالعه پیمایشی برای مصاحبه این مرحله انتخاب شود. ب) تمرکز بر مجموعه داده ها، بدین صورت که پاسخ های داده شده به پرسشنامه براساس فراوانی و توزیع در سرتاسر نمونه تحلیل می شوند. سپس پاسخ های به دست آمده در مصاحبه تحلیل و مقایسه می شوند؛ برای مثال یک تیپولوژی شکل می گیرد. در ادامه توزیع پاسخ به پرسشنامه و تیپولوژی با یکدیگر تلفیق و مقایسه می شوند.

ویلسون می گوید رویکردهای تحقیق کیفی و کمی بیش از آنکه رقیب یکدیگر باشند مکمل هم هستند و اتخاذ یک روش خاص باید بر پایه مشکلات و مسائل واقعی تحقیق که با آنها روبرو هستیم، صورت پذیرد. مک کینلی و باثوم نیز می گویند که موضوع تحقیق و نه بحث روش

شناختی و معرفت شناختی، باید تعیین کننده انتخاب میان کمی و کیفی باشد. تلاش برای پیوند این دو رویکرد غالباً به یکی از سه حالت زیر منجر می شود.

- اجرای یکی پس از دیگری (با ترجیحات مختلف)
- اجرای توأم این دو (با درجات متفاوتی از استقلال این دو استراتژی از یکدیگر)
- غلبه یکی بر دیگری (در عین حال با ترجیحات مختلف هر یک)

لینکلن و گوبا، اعتماد پذیری، باور پذیری، اطمینان پذیری، انتقال پذیری و تصدیق پذیری را معیارهای اصلی تحقیق کیفی معرفی می کنند. بررسی محمد نمازی نشان می دهد که پژوهش های کیفی از نظر اهمیت و ساختار عملی روش تحقیق، اصالتاً در سطح نازل تری از پژوهش های کمی قرار ندارند. انتخاب بین یک روش پژوهش کیفی یا کمی به عوامل متعددی از جمله ماهیت موضوع، مساله مورد مطالعه و تجربه پژوهشگر، بستگی دارد. بعلاوه او تأکید می کند که برخی از روش های پژوهش های کیفی می توانند اطلاعات عمیق و دقیقی را در خصوص پدیده ها، رفتارها و سازمان های پیچیده ارائه کنند که کسب این چنین اطلاعاتی از راه پژوهش های کمی به هیچ عنوان میسر نیست. در اکثر موارد، به منظور افزایش روایی داخلی و خارجی تحقیق، می تواند از هر دو نوع رویکرد کیفی و کمی استفاده نمود. یعنی رویکردهای کیفی و کمی می توانند مکمل یکدیگر باشند.

نتیجه گیری

ایده اصلی مقاله حاضر، بررسی جایگاه تحقیقات کیفی در رشته مالی است. به عنوان یک نتیجه می توان گفت اساساً نباید به دنبال تکمیل روش ها و مفاهیم موجود در این رشته بود. همانگونه که بیان شد کاربرد روش های تحقیق کیفی در رشته مالی پیشینه طولانی دارد و هم اکنون نیز استفاده از این روش ها به طور چشم گیری در حال رشد است. با توجه به عدم استفاده از روش های کیفی در تحقیقات مالی در کشور، استفاده از این رویکرد در پیچهای برای نوآوری و خلق علم محسوب می شود. دنبال نمودن سرمشق های معین هیچگاه منجر به ارائه پارادایم جدید نخواهد شد و محققان این حوزه باید کاربرد روش های دارای بالاترین سطح استاندارد در تحقیقات را اشاعه داده و به آنها متعهد باشند. محقق باید از انتخاب ساده یک طرح تحقیق شامل

روش‌های تحقیقاتی مختلف اجتناب نمود و ترجیحاً اجازه داد سوالات تحقیق در جهتی طرح شوند که برای تحقیق مورد نظر بهترین باشند. این کار شانس پاسخ به آن دسته از سوالاتی را فراهم خواهد آورد که پایگاه داده‌های تاریخی راجع به آنها وجود ندارد.

با توجه به این دیدگاه، یکی از روش‌های کمی، کیفی، یا ترکیبی از آنها بکار گرفته خواهد شد. هر یک از این سه گزینه، طبقه‌ای از بینش تجربی را ارائه می‌کند که خواست محقق برای کشف و تولید دانش جدید را حمایت و تأیید می‌نماید. صرفنظر از نظرات شخصی، هر محقق در چالش فشارهای روزافزون حرفه نسبت به تحقیقات منتشر شده (که به شدت محدود به حمایت‌های سازمانی بوده و دارای تاریخ مصرف کوتاه مدت است) سهم و شریک می‌باشد. این نوع فشارها بصورت بالقوه مانع از دنبال نمودن کیفیت بالا می‌شود. شوربختانه، هیچ راه میانبری برای یک تحقیق جدی وجود ندارد.

منابع

- Allwood, Carl Martin, The distinction between qualitative and quantitative research methods is problematic, *Qual Quant*, 46: 1417° 1429, 2012.
- Burton, Bruce, Qualitative research in finance; pedigree and renaissance, *Studies in Economics and Finance*, Vol. 24 Iss: 1, pp. 5 ° 12, 2007.
- Dan, Kaczynski, Salmona, Michelle, and Smith, Tom, Qualitative Research in Finance, University of Queensland; Business School, April 2013.
- Dan, Kaczynski, Salmona, Michelle, and Smith, Tom, Qualitative research in finance, *Australian Journal of Management*, Vol. 39 (1) 127° 135, 2014.
- Dan, Kaczynski, Salmona, Michelle, and Smith, Tom, Qualitative Theory in Finance: Theory into Practice, *Australian Journal of Management*, 403-413, August 2015.
- Delavar, Ali, *Research Theoretical Foundations in Human and Social Science*, Fifth edition, Roshd, Tehran, 2006, [in Persian].
- Dianati Deilami, Zahra, *Research method in Accounting: an action guide to preparing dissertation and article*, Edalat Novin, Tehran, 2015, [in Persian].
- F. Conrad, Clifton and C. Serlin, Ronald, *The SAGE Handbook for Research in Education: Pursuing Ideas as the Keystone of Exemplary Inquiry*, Chapter 10, Jun 10, 2011.
- Flick, Uwe, *An Introduction to Qualitative Research*, Fourth Edition, SAGE, 2009.
- Ghandchi, Saam, *Philosophy of science in 20th century*, e-Book edition, 2014, [in Persian].
- Henry, Elaine and Andrew, J. Leone, *Measuring Qualitative Information in Capital Markets Research*, University of Miami School of Business, November 2010.

- Holland, John, Qualitative Research in Finance and Accounting: Developing a Grounded Theory of the Market for Information and Governance, Department of Accounting & Finance: University of Glasgow, Working Paper 2001/2.
- Humphrey, Christopher and Lee, Bill, The Real Life Guide to Accounting Research: A Behind-the-Scenes View of Using Qualitative Research Methods, Elsevier, 2004.
- I. Silverman, Henry, Qualitative Analysis in Financial Studies: Employing Ethnographic Content Analysis, Journal of Business & Economics Research, Volume 7, Number 5, May, 2009.
- Khodaverdi, Hasan, Qualitative research methodology, Rah Aavard, pages 41-62, 2008, [in Persian].
- M. Given, Lisa, The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods, VOLS 1 & 2, SAGE, 2008.
- Mansourian, Yazdan, critics on Foundations of quantitative and qualitative methods in Human science, Koliaat journal, 15th year, no. 2, 2011, [in Persian].
- Marshall, Cathrine, Rossman, Gretchen B, designing qualitative researches, translated by Parsayan and A arabi, first edition, Pajoheshhayeh farhangi, 1998, [In Persian].
- Mashayekhi, Bita and etc. , Preparing auditing quality model, Quarterly Journal of Securities Exchange, no. 23, autumn 2013, [In Persian].
- Mesbah, Ali, Human science Theoretical Foundations, first edition, Imam Khomeini Educational research institute, 2013, [in Persian].
- Namazi, Mohammad, Role of qualitative researches in Human science, Geography and Development, Spring & Summer 2003, [In Persian].
- Okasha, Samir, Philosophy of science, Translated by Hooman Panahandeh, Farhang Moaser, Tehran, 2008, [in Persian].
- Parhizgar, M. Mehdi, Aaghajani afrozi, Aliakbar, Advanced research methodology in management; in practical approach, Payam Noor University, Tehran, 2011, [in Persian].
- Ranjba, Hadi and etc. , Sampling in qualitative researches: a guide for start, Aja University of Medical Sciences, 10th year, no. 3, pages 238-250, Autumn, 2012, [In Persian].
- Ryan, Bob, W. Scapens, Robert and Theobold, Michael, Research Method and Methodology in Finance and Accounting, Second Edition, Academic Press Limited, 2002.
- Saghafi, Ali, Barzegar, ghodratollah, Management accounting researches; Focused on Qualitative research methodology, Accounting & Auditing Researches, Spring ,2012, [in Persian].
- Tabibi, seyed jamal aldin, Maleki, mohammad reza, Delgoshaei, Bahram, Preparing dissertation, thesis, research plan and scientific articles, 6th edition, Ferdos, Tehran, 2014, [In Persian].
- Yaghmaei, Qualitative management accounting research: Assessing deliverables and relevance, 2011, <http://isihome.ir>, [In Persian].